



تدوین الگوی برنامه درسی مقاومتی مبتنی بر آموزه های دینی و متون اسلامی

سیروس حدادنیا^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۱۷

چکیده

هدف پژوهش حاضر تدوین الگوی برنامه درسی مقاومتی مبتنی بر آموزه های دینی و متون اسلامی بود. که از نظر هدف کاربردی و به لحاظ روش اجرا کیفی بود. روش تحقیق توصیفی - تحلیلی بود. برای شناسایی مضامین از روش اکتشافی داده بنیاد اشتراوس و کوربین (۱۹۹۰)، تحلیل مضامین و برای تعیین روایی محتوایی از تحلیل محتوا استفاده شد. که به شناسایی مضامین پایه و سازمان دهنده سطح اول و دوم با توجه به تبعات در آیات، روایات و آموزه ها در متون اسلامی (قرآن مجید، نهج البلاغه و صحیفه سجاده)، پرداخته شد. از آنجا که کشور ما در محوریت جوامع اسلامی قرار گرفته و در صف اول هجمله ها و دسیسه های جوامع غیر اسلامی نیز می باشد، بنابراین این موضوع لزوم و اهمیت حرکت به سوی یک تحول بنیادین در برنامه های درسی را به خوبی آشکار می سازد. جامعه اسلامی برخوردار از غنی ترین گنجینه های علمی و دانشی چون قرآن کریم و دیگر متون اسلامی می باشد، می توان با بهره مندی از نظریه ها و راهکارهای آموزشی و درسی این گنجینه دانشی، سدی محکم و مقاوم در برابر تهاجم های نرم، ایجاد نماید. از آنجا که تدوین برنامه درسی مقاومتی نیازمند شناخت دیدگاه های غربی و مقایسه تطبیقی، آشنایی با ابعاد علوم طبیعی و انسانی، کسب مباحثی در زمینه هست ها و بایدها اسلامی سازی و بصیرت افزایی در برنامه درسی، لازم و ضروری بود که به آن پرداخته شد. جهت تجزیه و تحلیل داده ها در بخش کیفی نرم افزار ماسک یودا (Maxqda, 2022)، استفاده شده است. نتایج نشان دهنده شناسایی، ۴ مضمون سطح اول، ۲۹ مضمون سطح دوم و ۴۷ مضامین پایه، می باشد. میان علوم طبیعی و انسانی جدایی وجود ندارد، بین هست ها و بایدها و استنتاج بایدها از هست ها هماهنگی وجود دارد و همچنین در کسب معرفت، علاوه بر سه سطح عقلی، حسی و تفهیمی، شناخت شهودی نیز از اهمیت بالایی برخوردار است.

واژگان کلیدی: برنامه ریزی درسی، برنامه درسی مقاومتی، اسلامی سازی

مقدمه

از جمله ی اساسی ترین مباحثی که در تربیت نقش آفرینی می کند و به زعم صاحب نظران، فقدان و غفلت از آن موجب نقصان و عدم تحقق رسالت تربیت می شود، "برنامه درسی"^۱ است و تربیت از به فعلیت در آوردن و پرورش دادن قابلیت های نهفته وجودی انسان نشأت می گیرد، بنابراین گذر از این مسیر و تحقق این هدف بیش از پیش در گرو هدایت و رهبری موثر می باشد. (سرمد و حیدرزاده، ۱۴۰۱). برنامه ای که نقش هریک از عوامل و عناصر دخیل در فرآیند پیچیده تربیت، مشخص و پایش می نماید و با در نظر قرار دادن ابعاد و شیوه های مختلف تربیت از جمله رسمی و غیر رسمی، آشکار و نهان، در زمان مقتضی راهکار مناسب ارائه می دهد (ملکی، ۱۳۸۷). برنامه ای که شاید پایه و اساس کلیه پیشرفت ها و توسعه یک جامعه محسوب می شود و می تواند یک جامعه را به حداکثر قابلیت ها و نشانگرهای رشد علمی، فرهنگی، هنری، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، معنوی و ... برساند و یا بالعکس به ابزاری مناسب در خدمت کشورها و جوامع استعمارگر جهت تضعیف و کند شدن روند رشد و توسعه، مبدل گردد (قورچیان، ۱۴۰۰). جوامع غربی مدام در پی تدوین و اجرای برنامه درسی چه از طریق رسمی و چه از طریق غیر رسمی و پنهان، برآمدند و در پی ضربه زدن به این دستاورد بزرگ ملت ایران بوده اند. از این جهت برنامه درسی نظام آموزش کشور ما نیز بعد از انقلاب شکوهمند اسلامی از تعارض و تهاجم مصون نمانده است. آنها خوب می دانند که اگر این عنصر بنیادی، یعنی برنامه درسی نظام آموزشی را دستکاری و در جهت اهداف خود سوق دهند و بی آنکه نیاز به شلیک حتی یک گلوله باشد، بهترین گزینه برای دستیابی به موفقیت خواهد بود، برنامه درسی مقاومتی^۲، مبتنی بر آموزه های دینی و متون اسلامی می تواند نقطه عطفی در نظام آموزشی کشور ما محسوب شود و بیانگر آن است که ما باید از مرزهای علمی کشورمان حراست و صیانت کنیم، مبدا دشمن از این مرز وارد سرزمین ما شود و جامعه ما را تحت تاثیر اهداف خود قرار دهند. باید بدانیم که جامعه ما برخوردار از غنی ترین گنجینه های دانش چون قرآن کریم و دیگر متون اسلامی می باشد که خود بالاترین سرمایه های علمی محسوب می شود. گنجینه ای که مملو از نظریه ها

و راهکارهای آموزشی و درسی می باشد و می تواند، سدی محکم و مقاوم در برابر تهاجم های نرم، ایجاد نماید. و از آنجا که کشور ما در محوریت جوامع اسلامی قرار گرفته و در صف اول هجمه ها و دسیسه های جوامع غیر اسلامی نیز می باشد، بنابراین این موضوع لزوم و اهمیت حرکت به سوی یک تحول بنیادین در برنامه های درسی را به خوبی آشکار می سازد. و ضرورت و اهمیت تدوین الگوی برنامه درسی با بهرمندی از منابع غنی و سرشار متون دینی و اسلامی را آشکار می سازد. اما اینکه این مهم چگونه و با چه مولفه هایی قابل دستیابی است، سوالی می باشد که محقق به دنبال پاسخ آن می باشد.

بنابراین سوالی اصلی پژوهش حاضر را می توان به شکل زیر مطرح نمود:

با توجه به بهره مندی جامعه اسلامی از متون اسلامی، چگونه می توان چارچوب برنامه درسی مقاوم در برابر فرهنگ تهاجمی غرب و همسو با فرهنگ دینی و جامعه اسلامی، تدوین نمود؟ تفاوت هست ها و باید ها در برنامه درسی اسلامی و غرب چگونه است؟ لازمه توجه به متون اسلامی در برنامه درسی چیست؟

پیشینه پژوهشی

در پژوهشی با عنوان بسوی انبساط مفهومی از برنامه درسی اسلامی خندقی مقصود، امین و مهدوی خواه، علی (۱۴۰۲)، نشان دادند، بررسی وضعیت موجود، حاکی از وجود دو جریان اصلی نسبت به برنامه درسی اسلامی است: گرانبار کردن محتوای برنامه های -درسی از ارزش- های اسلامی مبتنی بر مبانی نظری دانش طراحی و تدوین برنامه درسی متعارف و موجود غربی، و برنامه درسی اسلامی به مثابه یک نظریه کلان فلسفی- ارزشی. با عنایت به ناکارآمدی، محدودنگری و غفلت از ابعاد مختلف معرفتی حوزه برنامه درسی اسلامی، پژوهش حاضر سعی دارد در قالب جریان سوم و به عنوان بدیل دو جریان قبلی، توجه صاحب نظران را به تولید دانش برنامه درسی اسلامی از طریق توسعه مباحث نظری در همه ابعاد معرفتی جلب کند. بی تردید مشارکت در گسترش دانش برنامه درسی اسلامی مستلزم روی- آوردن به نظریه- پردازی، به مثابه تنها شاهراه خلق دانش نو است. همچنین صحبت لو، (۱۴۰۱)، در پژوهشی نقد برنامه درسی تربیت معلم جمهوری اسلامی ایران از منظر تربیت اسلامی، در نظر گرفتن فعالیت های یادگیری و عملکردی دروس

^۱ . curriculum

^۲ . Resistance curriculum

تربیت اسلامی با ملاک ها و سطوح پیامدهای یادگیری مانند سایر دروس خطا بوده و منطبق با اسناد بالادستی نیست. همچنین در فرصت های یادگیری، کم تر به فعالیت های تحلیلی، مقایسه ای و ارزیابی توجه شده است. کرمی (۱۴۰۲)، در پژوهشی با عنوان الگوی تلفیق سبک زندگی اسلامی در برنامه درسی نشان داد، این الگو دارای نه مولفه اصلی (عبادی و اعتقادی، اخلاقی، تعلیمی و تربیتی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، مدیریتی، حقوقی، و سلامتی) و هشتاد مولفه فرعی است. خداشناسی، شناخت مباحث اعتقادی، ساده زیستی، خدمت به خلق، علم اندوزی، کسب دانش کاربردی، رفتار مناسب با مردم، تربیت سیاسی مردم، توجه به کسب و کار پاک و حلال، تشویق مردم به کار و تولید، مسئولیت پذیری، رعایت حقوق اجتماع و پرهیز از حرام خواری از جمله مولفه های فرعی ای هستند که متناسب با موضوع، از طریق برنامه درسی قرآن، هدیه های آسمان، مطالعات اجتماعی، تفکر و پژوهش، کار و فناوری، ریاضیات و علوم تجربی می توان به آن ها دست یافت. تنظیم عناصر برنامه درسی، تجدیدنظر در محتوای فعلی و تنظیم محتوا در قالب های مختلف، و اجرا و ارزشیابی برنامه درسی متناسب با سبک زندگی اسلامی از اقدامات نهایی در الگوی تلفیق سبک زندگی اسلامی در برنامه درسی دوره ابتدایی هستند. ملکی (۱۴۰۱)، در پژوهشی با عنوان جستاری نظروزرانه پیرامون اسلامی سازی برنامه درسی، نشان داد، برنامه درسی به طور ذاتی ماهیت ایدئولوژیک دارد و این ویژگی ابتدای هر دیدگاه برنامه درسی به فلسفه های خاص را به همراه دارد. مختصات ارزشی در هر دیدگاه باعث تمایز با سایر نظریه ها و دیدگاه ها می شود و تقابل های ایدئولوژیک را ایجاد می کند. بر این اساس طرح برنامه درسی فطرت گرایی توحیدی بر پایه فلسفه تربیتی اسلام قابل دفاع می باشد و می توان عناصر برنامه درسی بر این پایه را صورت بندی کرد. عنصر نیاز که نخستین حلقه برنامه ریزی درسی است از توجه و تحلیل توأمان آرمان گرایی و واقع گرایی و در یک تعادل پویا به دست می آید و نمی توان نیازها را صرفاً از انعکاس واقعیت ها مورد توجه قرار داد. از داده بنیاد تلقی نمودن نیازهای برنامه درسی باید پرهیز کرد و از ارتباط معنادار نیازها به ارزش های اساسی اسلامی اطمینان به دست آورد. عنصر «هدف» نیز در این دیدگاه با قرب الهی و عبودیت نسبت طولی واضح خواهد داشت و

ضمن ارتباط با نیازها و ضرورت های اجتماعی، جهت گیری الهی خود را حفظ خواهد کرد. سایر اجزا و عناصر برنامه درسی از قبیل محتوا، روش، محیط، تربیت و خانواده نیز چنین صبغه ای خواهند داشت. پورحسینی، مریم (۱۴۰۱)، نیز در پژوهشی با عنوان چرایی و چگونگی الگوسازی در برنامه درسی اسلامی با رویکرد نهج البلاغه نشان داد که مراکز آموزشی می توانند با معیارهای نهج البلاغه اسوه حسنه را به طور غیرمستقیم در برنامه درسی بگنجانند تا نمونه رفتارهای مطلوب را در معرض دید متربیان قرار دهند. قبل از اولین سالگرد شهادت سردار دل ها، کتاب های مسابقه پیرامون زندگی ایشان به محیط های آموزشی و فضاهای مجازی راه یافت که اگر در این مقطع مسئولان فرهنگی مدارس بار سنگینی بر دوش خود احساس کنند با ادامه دادن آن میتوانیم در پیشبرد انقلاب تا تمدن سازی نوین اسلامی گام بزرگی برداریم. به طور مسلم تحلیل شیوه عملکرد مدیریت های فرهنگی مدارس، مراکز آموزش عالی و حوزه های علمیه نیاز به بررسی و نگاه های دقیق کارشناسان دارد؛ اما نکته حائز اهمیت این است که بر خلاف شیوه سنتی اسوه سازی و عملکرد سال های متمادی نهادهای آموزشی در استفاده از برنامه درسی پنهان برای الگوپذیری، همه به میدان آمده بودند. سیلاتورهیمی و همکاران (۲۰۲۳)، در پژوهشی نشان دادند که برنامه درسی این پتانسیل را دارد که نسلی از مسلمانان را پرورش دهد که بتوانند از ایمان آن ها برای کمک به حل مشکلات بشر دوستانه، استفاده نمود و الگوی جهت تربیت محققانی و متخصصان علوم دینی و نیز کارشناسان علوم دینی، تدوین نمود.

روش پژوهشی

هدف پژوهش حاضر تدوین الگوی برنامه درسی مقاومتی مبتنی بر آموزه های دینی و متون اسلامی بود. که از نظر هدف کاربردی و به لحاظ روش اجرا کیفی بود. روش تحقیق توصیفی - تحلیلی بود برای شناسایی مضامین از روش اکتشافی داده بنیاد اشتراوس و کوربین (۱۹۹۰)، تحلیل مضامین و برای تعیین روایی محتوایی از تحلیل محتوا استفاده شد. که به شناسایی مضامین پایه و سازمان دهنده سطح اول و دوم با توجه به تتبعات در آیات، روایات و آموزه ها در متون اسلامی (قرآن مجید، نهج البلاغه و صحیفه سجادیه)، پرداخته شد. از آنجا که جامعه ما برخوردار از غنی ترین گنجینه های علمی و

تایلر^۴ (۱۹۷۱)، عناصر چهارگانه برنامه درسی، شامل تدوین اهداف، انتخاب محتوا، سازماندهی و ارزشیابی می‌باشند. تابا^۵ (۱۹۷۱)، در آثار خود هفت عنصر، تعیین و تشخیص نیازها، تدوین اهداف، انتخاب محتوا، سازماندهی محتوا، انتخاب تجارب یادگیری، سازماندهی تجربیات یادگیری و ارزشیابی را مطرح می‌سازد. آیزنر (۲۰۰۵)، معتقد است که در طراحی برنامه درسی بایستی عناصر هفت گانه که شامل، اهداف و اولویت بندی آن‌ها، تعیین محتوا، تعیین انواع فرصت‌های یادگیری، سازماندهی محتوا، نحوه ارائه و پاسخ و شیوه‌های ارزشیابی می‌شود، مد نظر قرار گیرد. واکر^۶ (۲۰۰۳)، در این رابطه ده عنصر منطق، مقاصد و اهداف، محتوا، فعالیت‌های یادگیری، نقش معلم، مواد و منابع، گروه بندی، مکان، زمان و سنجش و ارزشیابی را مطرح می‌نماید. دسته بندی کلاین (۱۹۹۲)، شامل نه عنصر می‌باشد: اهداف، محتوا، راهبردهای یاددهی-یادگیری، مواد و منابع کمک آموزشی، فعالیت‌های یادگیری فراگیر، زمان آموزش، فضای آموزشی، گروه بندی فراگیران و ارزشیابی می‌باشد (ملکی، ۱۳۸۷). شاید جامع‌ترین دسته بندی عناصر برنامه درسی متعلق به مرزوقی (۲۰۱۶) می‌باشد که عناصر برنامه درسی را در ۳۳ مورد دسته بندی نموده است.

از طرفی مقاومت منحصر در عمل مسلحانه نیست؛ مقاومت پیوستاری است که تمام گونه‌های عمل از نرم تا سخت را در بر می‌گیرد. مقاومت، اصطلاحی است از ریشه‌ی قوام یا قیام، ریشه‌ای که در دین اسلام از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. و به همین منظور، مقاومت یک اصطلاح بومی محسوب می‌شود. مقاومت از سلوک درونی در مبارزه با نفس آغاز می‌شود و به مرزهای جغرافیایی و سخت ختم می‌شود. منظور از مفهوم برنامه درسی مقاومتی، برنامه درسی می‌باشد که با نیازها و جنبه‌های مختلف علمی، فرهنگی، معنوی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، زیستی و ... جامعه ما تناسب داشته، و در برگیرنده و تحقق بخش اهداف غایی و آرمانی جامعه ما باشد. برنامه درسی که با توجه به تمامی ظرفیت‌های موجود علمی، فرهنگی، دینی و اعتقادی داخلی، تدوین و اجرا شود و اشائه دهنده دستاوردهای مختلف علمی و

دانشی چون قرآن کریم و دیگر متون اسلامی می‌باشد، می‌توان با بهره‌مندی از نظریه‌ها و راهکارهای آموزشی و درسی این گنجینه دانشی، سدی محکم و مقاوم در برابر تهاجم‌های نرم، ایجاد نماید. از آنجا که تدوین برنامه درسی مقاومتی نیازمند شناخت ابعاد و مولفه‌های مختلف ملی و بین‌المللی می‌باشد، به بررسی مباحثی چون جهانی شدن، بین‌المللی شدن و بومی سازی نظام آموزش عالی، پرداخته شد. همچنین شناخت دیدگاه‌های غربی و مقایسه تطبیقی، آشنایی با ابعاد علوم طبیعی و انسانی، کسب مباحثی در زمینه هست‌ها و باید‌ها اسلامی سازی، شفاف سازی و بصیرت‌افزایی در برنامه درسی، لازم و ضروری بود که به آن پرداخته شد. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها در بخش کیفی نرم افزار ماسک یودا (Maxqda, 2022)، استفاده شده است.

یافته‌ها

مفاهیم برنامه درسی مقاومتی

برنامه ریزی درسی^۱ از لحاظ مفهومی اشاره به یک فرآیند دارد که حاصل یا نتیجه آن برنامه درسی است (فتحی و اجارگاه، ۱۳۷۷). مفهوم برنامه درسی در سه معنای کلی تحت عنوان برنامه درسی به عنوان یک "رشته علمی"^۲ یا یک "قلمرو معرفتی و مطالعاتی"، برنامه درسی به عنوان یک "فرآیند" یا برنامه ریزی درسی، و برنامه درسی به عنوان یک "برنامه" یا "طرح" قابل بررسی می‌باشد (مرزوقی، ۲۰۱۶). آیزنر^۳ (۲۰۰۲)، معتقد است که برنامه درسی از یک هویت فیزیکی برخوردار نیست، بلکه یک اندیشه پیچیده می‌باشد، از این رو تعریف واقعی آن غیر ممکن است. با اینکه این صاحب نظر ارائه تعریف برای این مفهوم را بسیار سخت می‌داند، ولی خود او برای ارائه تعریف تلاش می‌نماید. در مجموع مشکل ارائه تعریف برای برنامه درسی مانند مشکل ارائه تعریف در سایر علوم انسانی و تربیتی می‌باشد، آنچه مهم به نظر می‌رسد این است که بدون داشتن یک فضای مفهومی نسبتاً واضح نمی‌توان مباحث و تحلیل‌هایی از برنامه درسی ارائه نمود. اگر برنامه درسی را به عنوان طرحی برای ساماندهی یادگیری در نظر بگیریم، باید عناصری برای برنامه درسی تصور کنیم. تعداد عناصر تشکیل دهنده برنامه درسی از نظر برنامه ریزان و صاحب نظران، متفاوت است. از نظر

⁴ .Taylor, H.

⁵ .Taba, H

⁶ .Walker, F.

¹ . curriculum development

² . As a discipline

³ . Eisner, E. W.

ابزار و امکانات متحول و پیشرفته امروزی به صورت سخت افزاری و نرم افزاری، حضوری و مجازی، اشائه و ارائه می گردد، می بایست درصدد تحت تاثیر قرار دادن برنامه درسی دیگر جوامع نیز برآید، یعنی نظام آموزش عالی کشور باید بتواند در کنار حفظ باورها، ارزش‌ها، سنت‌ها، اعتقادات دینی و توجه به دیرینه دینی و اسلامی، توسعه علمی، پژوهشی و مهندسی دانش، بینش، باورها و فرهنگ جامعه را هم در سطح بومی و ملی و هم در سطح بین المللی گسترش و تحقق بخشد. تا بتواند در برابر هجمه‌ها، تحمیل و سیطره‌ی اهداف دیگر جوامع، واکنش موثر از خود نشان دهد. البته برای دستیابی به این مهم و تحقق این تحول عظیم در برنامه درسی، مولفه‌ها و عواملی موثرند که در ادامه به آنها پرداخته خواهد شد و هدف از طرح مسئله‌ی برنامه درسی مقاومتی از سوی نگارنده بیشتر برای مخاطبان آشکار خواهد شد. با مروری بر تحولات آموزش عالی از ظهور اولین دانشگاه در قرن سیزدهم تا به امروز نشان می دهد، آموزش عالی همواره نهادی پویا و متغیر بوده و همگام با تحولات و ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و معرفتی تغییر کرده است. امروزه آموزش عالی با توجه به رسالت سنگین و بزرگی که دنبال می کند، همواره تحت تاثیر عوامل متحول کننده‌ی قرار گرفته است که بعضاً آن را از مسیر و رسالت اصلی خود خارج نموده است.

مضامین برنامه درسی اسلامی در متون اسلامی

راه اسلامی سازی برنامه درسی در آموزش عالی راهی هموار و بی مانع نیست. برای آغاز حرکتی موثر در مسیر اسلامی سازی برنامه درسی، نیاز به ایده آل‌های برگرفته از اسلام و متون اسلامی می باشد. زیرا تنها ایده آلی است که قدرت ایجاد تغییر و دگرگونی را دارد، چون در بیرون از ذهن محدود انسان ریشه دارد. پس همه عناصر و شاخه‌های برنامه درسی، باید با محوریت اسلامی تغییر کند. تحول برنامه درسی باید با محوریت آموزه‌ها و ارزش‌های اسلامی همراه باشد. و دین باید به صورت حداکثری در همه زوایای زندگی دانشجویان، نقش مؤثری داشته باشد. علوم انسانی باید منجر به پیشرفت در جهان خارج از ذهن آنها شود. چنین نگرشی باعث می شود که علوم انسانی با محوریت و مرکزیت اسلام توسعه یابد. داشتن نگرش تخصصی به علوم انسانی در کنار تعهد و

فرهنگی و منعکس کننده‌ی گزاره‌های الهی و اسلامی در سطح جهانی باشد. برنامه درسی که از جوامع دیگر به شکلی وارد، غالب یا تحمیل شود، قطعاً نمی تواند تحقق بخش اهداف و مقاصد الهی ما باشد و اسباب پیشرفت و توسعه را در جامعه ما فراهم سازد. حسنی و همکاران (۱۳۸۵)، معتقدند که علی رغم پیشینه‌ی نسبتاً وسیع در حوزه اخلاق و تربیت که در متون علمی، فلسفی، دینی و اسلامی کشور ما وجود دارد، بنابر دلایلی از بسط و گسترش آنها پرهیز شده است. و ما همچنان نیازمند برنامه‌های درسی وارداتی و حتی تحمیلی دیگر جوامع می‌باشیم. ساشادینا^۱ (۲۰۰۹)، پس از سال‌ها تدریس در جوامع اسلامی، معتقد است، ترجمه یا الگوبرداری اشتباه از محتواهای برنامه درسی غربی برای اعمال در مؤسسات آموزشی مسلمانان، موجبات عقیم ماندن منابع غنی فرهنگ و معرفت شناسی بومی آنها را فراهم ساخته است. گولدی و اسچوارز^۲ (۲۰۰۴)، معتقدند که علی رغم وجود آموزه‌های بسیار غنی در اسلام و متون اسلامی، تمایل کمی برای گنجاندن این تعالیم در برنامه درسی دانشکده‌های مختلف در کشورهای حوزه خلیج فارس وجود دارد. و برنامه درسی بر اساس مدلی وارداتی ارائه می شود و بعضاً این مباحث به زبان انگلیسی به عنوان زبان دوم آنها آموزش داده می‌شود. از این رو دانشجویان مسائل اخلاقی که با فرهنگ غربی عجین شده است را می آموزند و در این میان ممکن است، در ارتباط و هماهنگی با فهمشان از فرهنگ جامعه خود آسیب ببینند، گرچه این دانشجویان قادرند مفهوم استقلال داخلی و مسائل مرتبط با آن را تشخیص دهند، ولی مفهوم سازی اخلاق با سیستم ارزشی و اعتقادی برنامه درسی اخلاق غربی بر سیستم ارزش‌ها و اعتقادات خودی غلبه می کند.

با توجه به اینکه نظام آموزشی عالی کشور ما بر دو منبع معتبر میراث اسلامی و تمدن ایرانی تکه دارد، رویکرد انتخابی در برنامه ریزی درسی آموزش عالی باید بتواند راه را برای اعتلای تمدن اسلامی در جهان پیش رو فراهم سازد. از این رو ضمن اتخاذ تدابیر لازم جهت جلوگیری از نفوذ برنامه‌های درسی مغایر و در تضاد با ارزش‌ها و معیارهای اسلامی جامعه اسلامی ما و محتواهای دروس مختلف که به شکل آشکار و نهان و با بکارگیری

^۱. Sashadina

^۲. Goldie & Schwartz

عنوان طرح ساماندهی برای یادگیری در نظر بگیریم، باید عناصری برای برنامه درسی تصور کنیم. تعداد عناصر تشکیل دهنده برنامه درسی از نظر برنامه ریزان و صاحب‌نظران، متفاوت است. بعضی در چهار عنصر و برخی در نه عنصر و برخی در هفت عنصر و غیره.. آن عناصر را دسته بندی نموده‌اند. اما عمده ترین دسته بندی که عناصر دیگر را تا حدودی در بر می گیرد و صاحب‌نظران بر آن ها اتفاق نظر دارند، شامل چهار عنصر: هدف، محتوا، روش یاددهی - یادگیری و ارزشیابی می باشد. که می‌توان آنها را به عنوان مراحل تدوین برنامه درسی نیز به حساب آورد. (ملکی، ۱۳۸۷). که با توجه به تتبعات در آیات، روایات و آموزه‌ها در متون اسلامی (قرآن مجید، نهج البلاغه و صحیفه سجاده) این عناصر شکل منحصر به فردی به خود می‌گیرد. در جدول شماره (۱) خلاصه مضامین برگرفته شده از متون اسلامی نمایش داده شده است.

اعتقاد به ارزش های اسلامی می تواند راه را برای دستیابی به اهداف طراحی یک نقشه جامع و اسلامی سازی علوم انسانی هموار نماید. به زعم آیت الله مصباح، پژوهش های ما در این زمینه باید روش مند و بر اساس متد علمی باشد، نه اینکه در کنار هر بحث و مطلبی آیه قرآن و روایتی قرار دهیم و بگوییم اسلامی شد (مصباح یزدی، ۱۳۸۹) دوری از خود باختگی، عدم برنامه‌ریزی جامع، کمبود مدرس، محتوای و امکانات مورد نیاز از عمده مشکلات پیش روی اسلامی سازی است. برای تدارک و ایجاد نظام آموزش عالی اسلامی، می‌تواند عناصر برنامه درسی بر گرفته شده از متون اسلامی از جمله، قرآن مجید، سخنان گهربار حضرت امام علی ^(ع) در نهج البلاغه و یا ادعیه امام سجاد ^(ع) در صحیفه سجاده و غیره... باشد، زیرا این متون سرشار از مباحثی است که می‌تواند راهنما و هدایتگر برنامه ریزان و صاحب‌نظران درسی باشد. نظرگاه متون اسلامی در مورد عناصر برنامه درسی متفاوت از دیدگاه‌های دیگر مکاتب است. اگر برنامه درسی را به

جدول شماره ۱- مضامین برنامه درسی مقاومتی از منظر متون اسلامی (قرآن مجید، نهج البلاغه و صحیفه سجاده)

مضمون فراگیر	مضامین سازمان دهنده		مضامین پایه
	سطح اول	سطح دوم	
اهداف	عبودیت	ایجاد حس پرستش در آدمی بیانگر آشکار شدن زوایای مختلف اندیشه است.	
	تکریم	کرامت و شرافت انسانی دانشجویان باید رعایت شود و هیچ هدف نمی‌توان تعیین کرد که با کرامت و شأن انسان منافا باشد.	
	مسئولیت پذیری	احساس مسئولیت باید از اندرون مربی و مربی بجوشد و سپس به اعمال فردی و اجتماعی ایشان سرایت کند.	
	عدل	در تعیین اهداف و گزینش روش ها و محتوای تربیتی از مسیر عدالت خارج نشویم و به ورطه افراط و تفریط نیفتیم.	
	کمال جویی	استاد و دانشجو در هیچ مرحله‌ای احساس آرامش و سکون نخواهند داشت، تا اینکه به مرحله نهایی کمال برسند.	
محتوا	حد و وسع	هیچ کس را فراتر از طاقت و قابلیت اعطایی استعداد و توانایی، مورد بازخواست و تکلیف قرار ندادن.	
	تعالی اندیشه	پاکی و صفای دل و تطهیر آن از پلیدی‌های گناه و تمایلات پست تاثیر غیر قابل انکاری بر هدایت و رشد دانشجویان دارد،	
	معارف اسلامی	به دانشجویان کمک می‌کند، تا ارزش تعقل و تفکر و توانایی بررسی مسائل و دفاع از عقاید و تقویت ایمانشان را درک کنند.	
	علوم طبیعی	امکان نگرش دقیق در نظام آفرینش و تفکر منظم و منطقی را برای دانشجویان فراهم می‌کنند.	
	علوم انسانی	علوم انسانی شناخت آفرینش انسان و ویژگی های جسمی و روحی، عقلی، اجتماعی و فرهنگی اوست.	
برنامه درسی مقاومتی	بهداشت جسم	دانشجویان را نسبت به فواید بهداشت و سلامت جسم و تاثیر متقابل آن بر روح و روان آگاه ساختن.	
	حرفه و شغل	دانشجویان را برای تصدی مشاغل و صناعات مورد نیاز جامعه آماده کردن.	
	خلاقیت هنری	درسی که زیبایی های خلقت به انسان می دهد در هیچ یک از متون و مکاتب غیر دینی یافت نمی شود.	

روش غیر مستقیم	اگر به دانشجو مستقیماً گفته شود که فلان امر خوب یا بد است یا آن کار باید انجام بشود یا نشود، ممکن است موضع گیری نماید.
روش تکرار	برای نشان دادن اهمیت موضوع و نهایتاً هضم آن در ذهن مخاطب استفاده می شود.
روش عکس العمل	یعنی به جای سخن گفتن، استاد با یک موضع گیری مشخص و مناسب پیام خود را می رساند.
شیوه تمثیل	در امر آموزش، استفاده از مثال های زیبا، در فرآیند یادگیری و تنوع و نشاط آن سهم زیادی دارد
شیوه رفتاری	عمل و رفتار است که استاد باید بدان پایبند باشد تا در هدف خود موفق شود.
روش خطابه	خطابه هایی جذاب و دلنشین با زبانی برنده و گویا، احساسات افراد را در جهت حق شکوفا می کند.
وسیله کمک آموزش	کمک به بهتر فهمیدن، از یکنواختی در امر آموزش جلوگیری می کرد و با ایجاد تنوع و جذابیت، امر آموزش را تسهیل می کند.
روش نمایش	استاد تنها نباید به آموزش نظری اکتفا کند، بلکه باید از آموزش های عملی به صورت انجام دادن خود عمل نیز استفاده نماید.
روش پرسش و پاسخ	با این روش استاد ضمن بیرون کشیدن اطلاعات مخاطبین و ارزیابی وسعت دایره اطلاعات آنها متناسب با آن، جواب می دهد.
خود ارزشیابی	در متون اسلامی، هم به ارزشیابی عام تاکید شده و هم به معنای خاص آن (خود ارزشیابی) .
ارزشیابی ترکیبی	تنها ارزشیابی پس از تدریس مطرح نیست، بلکه ارزشیابی در بدو تدریس و ضمن تدریس نیز مورد نظر است.
ارزشیابی از معلم	در اسلامی تنها فراگیران مورد ارزیابی قرار نمی گیرند، بلکه معلمان و مربیان نیز مورد ارزیابی قرار می گیرند.
اصلاح آنی	بلافاصله پس از امتحان در صورت وجود عیب یا نقص در جواب یادگیرنده، استاد در صدد اصلاح و تکمیل جواب او بر می آید.
تشویق آنی	در صورت مثبت بودن یادگیری دانشجو بلافاصله مورد تحسین و تشویق قرار گیرد تا از این طریق یادگیری تقویت شود.
عدم سخت گیری	نباید سخت گیر بود، بلکه باید به آزمودنی ها فرصت اصلاح آموزه ها داده شود. به تقویت اندیشه و تفکر فرد کمک می کند.
سطوح نگر	نباید به سطوح اولیه یادگیری اکتفا کرد، بلکه باید از سطوح عمیق تر یادگیری نیز پرسیده شود.

روش یاددهی یادگیری

ارزشیابی

حوزه های متعددی تقسیم بندی می کند که از حیث موضوع، روش، محتوا و ... با هم متفاوتند، اما ویژگی تداخلی حاکی از آن است که این قلمروهای معرفتی مستقل، دارای مرزهای مشترکی نیز هستند و یافته های این حوزه ها می توانند در هم نفوذ کنند. پس از تفکیک دانش از دانشگاه، میان دو ایده اسلامی کردن دانشگاه ها و اسلامی شدن آن تفاوت قائل شده اند. نو اندیشان، اسلامی کردن را روندی از برون و اسلامی شدن را فرآیندی درونی، طبیعی، تدریجی و از روی طبع و علاقه خوانده اند. در نظام تعلیم و تربیت اسلامی یکی از مشخصه های اصلی دانشگاه تهذیب است. تهذیب، یعنی اخلاق، معنویت و خودسازی همزاد و همراه علم است. برای اینکه آموزش عالی اسلامی داشته باشیم. توجه به نقش برنامه درسی بسیار حائز اهمیت است. از الزامات اساسی برای محقق شدن این هدف استفاده از برنامه درسی مبتنی بر آموزه-

علوم جدید، سدی در راه پیشرفت علمی جوامع اسلامی ایجاد کرد و نزاع میان سنت و تجدد را پدید آورد. یکی از مواردی که در بحث علم دینی و دانشگاه اسلامی چالش آفریده است، تلقی های مختلف از ماهیت علم است و اینکه در صحبت از علم اسلامی کدام برداشت از علم و کدام معنای علم مورد نظر است؟ زمانی که از علم دینی صحبت می کنیم، منظور علوم تجربی است که به عنوان یک حوزه معرفتی مستقل از دین مطرح است. نگرش پوزیتیویستی، در واقع روحیه ای است که در عصر مدرنیسم بر علوم تجربی حاکم شد. پوزیتیویسم در زمینه شناخت معتقد به کثرت گرایی تبیینی است. به این معنا که علم و دین را دو حوزه معرفتی می داند که مرزهای قاطع و غیر قابل عبوری آنها را از هم جدا کرده و هر یک اهداف، موضوع، محتوا و روش خاص خود را دارند. دیدگاه مابعد پوزیتیویستی یا مابعد اثبات گرایانه معتقد به کثرت گرایی تداخلی است. کثرت گرایی تداخلی شناخت را به

های اسلامی که برگرفته شده از متون اسلامی می باشد، است.

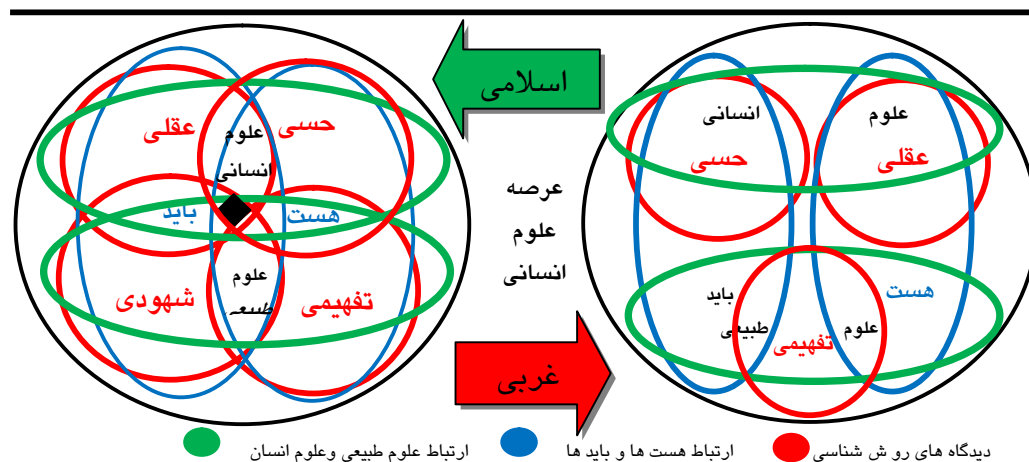
علوم انسانی اسلامی و غربی هست ها و باید ها

کسب معرفت نسبت به حقایق و واقعیت های هستی را می توان در قالب دو حیطه ی علوم طبیعی و علوم انسانی مطرح نمود. حیطه شناختی علوم طبیعی و مادی، شامل معلومات و معارفی می شود که به هر نحو درباره طبیعت و موضوعات طبیعی که دارای خواص مادی و قابل حس است، حاصل می شود و علوم پایه؛ علوم پزشکی و علوم مهندسی را در بر می گیرد. و حیطه شناختی علوم انسانی، این حیطه شامل معلوماتی است که به خصلت ها، ویژگی ها، فعالیت ها و رفتارهای نوع انسان مربوط می شود و آگاهی و معلومات مربوط به هر یک از موارد مزبور می تواند، موضوع یکی از رشته های مختلف علوم انسانی باشد (وارتافسکی^۱، ۱۹۹۱، ص ۳۷۱). در گذشته علوم انسانی نسبتاً با علوم غیر طبیعی مترادف بود و تحت عنوان حکمت عملی طبقه بندی شده بود. با وجود اینکه در معارف اسلامی با علمی چون علم النفس، اخلاق و تدبیر منزل، برخورد می کنیم که می توان آن ها را به عنوان علوم انسانی قلمداد کرد ولی اصطلاح علوم انسانی، همانند اصطلاح علوم طبیعی بحث برانگیز است. نویسندگان گوناگون ترجیح داده اند این علوم را با علوم اخلاقی یا علوم مربوط به فرهنگ، علوم مربوط به روح (نفس ناطقه)، علوم مربوط به انسان و یا علوم دستوری یا هنجاری همسان بنامند (فروند^۲، ۱۳۷۵). رویکرد علوم انسانی در جوامع اسلامی نشان می دهد که دانش ما درباره جهان خارجی صرفاً از داده های حسی به دست نمی آید و دانش انسان محدود است. ما باید به واقعیات فوق طبیعی (غیر محسوس) اعتقاد داشته باشیم. اسلام، سه سطح از شناخت یعنی معرفت حسی، معرفت عقلی، معرفت شهودی را به رسمیت می شناسد و معرفت وحیانی را با مضامینی از سنخ هر سه حوزه معرفت (حسی، عقلی، شهودی) و حوزه های فراتر از آن، منبع مستقل معرفت می داند. بخشی از حقائق عالم، از نوع محسوسات، معقولات، مشاهدات و... کمابیش در دسترس افراد بشر است که در صورت تعلیم و تربیت، این ادراکات، افزایش می یابند، همچنین انضمام این ادراکات به یکدیگر، ادراکات

مرکب و پیچیده تری پدید می آورد و در هر حال، افزایش هیچ یک از علوم تجربی، عقلی و تجربیات باطنی، اگر با روش صحیح، صورت گیرد، تعارضی با وحی ندارد و در عین حال، برخی گزاره های معرفتی و ضرورت های عملی متعالی تر وجود دارند که جز از طریق «وحی»، قابل کسب نیستند. ادراک حسی، ابتدائی ترین نوع درک بوده و در حوزه خود، معتبر است و فقدان هر حس به فقدان بخشی از آگاهی ها می انجامد، زیرا محسوسات را بدون وساطت حس، عقل به تنهایی نمی تواند درک کند. اما بدون عقل نیز، ادراک حسی، بی فایده و بی سرانجام خواهد بود. نه از خطای حواس، بی اعتباری درک حسی را می توان نتیجه گرفت و نه بدون کمک عقل، اعتبار ادراک حسی، قابل اثبات خواهد بود. بنابراین، باید نه چون پوزیتیویست ها، شناخت حسی را مطلق کرد و نه چون دکارت، منکر اعتبار شناخت حسی شد. شناخت حسی، معتبر است، اما اگر منکر شناخت حضوری و بدیهیات شدیم، هیچ تجربه و احساسی، منشأ علم نمی شود و کل علوم تجربی، غیر قابل توجیه شده و منطفا فرو می پاشند و هیچ قانون علمی نخواهیم داشت. به علاوه خطاپذیری حس، امر تجربه شده ای است و علوم غیر تجربی هم اعتبار خود را از شناخت حسی نمی گیرند. تجربه و استقراء در حوزه محسوسات، مفیدند اما مستغنی از عقل نیستند، خطاپذیرند، محدود به زمان و مکان خاص اند، جزیی اند، ظاهر بین اند، متأثر از اوضاع بدنی و نفسانی انسان اند و در عین حال، با رعایت همه زمینه ها و در حوزه خود و حدود خود، محترمند. ادراک عقلی، منشأ اساسی ترین معرفت های بشری است. بدون عقل، دین نیز نه قابل اثبات و نه قابل درک است. عقل، یک ارزش بنیادین است و حتی امور تعبّدی اسلام، مبنای عقلی دارند.

^۱ . Wartofsky

^۲ . Farvand



نمودار ۱- آرایش دیدگاه های روش شناختی (پوزیتیویسم، هرمنوتیک، مکتب انتقادی فرانکفورت، شهودی (وحيانی))، ارتباط هست ها و باید ها و ارتباط علوم طبیعی و علوم انسانی در علوم انسانی اسلامی و علوم انسانی غربی.

رویکرد بصیرتی در برنامه درسی مقاومتی

اساسا وظیفه دین، تربیت و هدایت انسان است و هدایت واقعی و مقرون به سعادت تنها از ناحیه دین و تعالیم آن قابل حصول است و مراد از تربیت، نوعی تربیت ربوبی است که متضمن عناصری نظیر شناخت، باور، انتخاب و عمل بوده و عبارت است از فرآیندی است که انسان تنها با روشن بینی تصمیم و پای ورزی در عمل می تواند آنرا طی کند. ربوبی شدن یعنی خروج از سلطه عوامل غریزی، محیطی و اجتماعی. از آنجا که هدف اصلی تعلیم و تربیت باید یاری دادن فراگیران برای زندگی بهتر باشد، "رویکرد بصیرتی"^۱ در نظام آموزش عالی، در مخالفت با آموزه های سکولاریستی و به عنوان یک موضع صریح تربیتی برخاسته از متن دین و متون اسلامی، معتقد است که دین نوعی زندگی است و تربیت دینی فرآیندی است که انسان را برای نحوه خاصی از حیات مهیا می سازد (رحیمی، ۱۳۸۴). دیوید کن لی^۲ (۲۰۰۹)، معتقد است که بصیرت در یک سازمان وقتی وجود دارد که کارکنان یک توافق آشکاری بر ارزش ها، باورها، مقاصد و اهداف که باید راهنمای رفتار آنها باشد، داشته باشند. به عبارت ساده تر، وی آن را یک «درک و فهم درونی»^۳ می نامد. از دیدگاه برنامه ریزان، بصیرت مترادف با پنداره

انگاری^۴ است و آن فرآیندی برای شناسایی جهانی مطلوب و آینده ای بهتر که در ذهن پرورنده شود، تلقی می کنند. در واقع بصیرت استفاده از موقعیت ها و بر اساس واقعیت ها می باشد (صالح پور و قاسمیان، ۱۳۸۹). بصیرت زمینه های اصلی تعلیم و تربیت را فراهم می آورد و تعلیم و تربیت است که زمینه رشد و ارتقاء مردم را مهیا می سازد. بصیرت چارچوب و شاهره اصلاح و تغییر است و بصیرت عنصر حرفه ای شدن است. بصیرت عامل ایجاد چالش در فرآیند مدیریت آموزشی است. بصیرت سیمای عمل را شفاف می کند (صالح پور و قاسمیان، ۱۳۸۹).

در عصر کنونی آموزش و پرورش نیازمند رنسانس آموزشی است. محصول نظام آموزش و پرورش بدون نظریه، طرح و نقشه، شخصیت های گلخانه ای و مونتاژ شده است. امروزه مدارس که مراکز امن رشد و آنکوباتورهای تحقیقاتی هستند، با داشتن چهار فرهنگ خویشاوندی حرفه ای، خویشاوندی توسعه ای، فرهنگ مدیریتی و فرهنگ مباحثه متقابل، دانشجویان را به چالش طلبیده و به عنوان سازمان های یادگیرنده مطرح می شوند. اگر دانشگاه ها قدرت لازم را داشته باشند، می توانند ارزش افزوده فرهنگی ایجاد کنند، وگرنه دانشجویان با ارزش های مستقل خود یا ارزش های مریض زندگی خواهند کرد. ما تجسم و مراقبه را در آموزش عالی کنار گذاشتیم در حالی که در هزاره سوم، اکثر کشورها به

^۱ . Insightful approach

^۲ . David conle

^۳ . Inner understanding

^۴ . Contemplation

آشکار و پنهان انجام می‌گیرد. برنامه‌های درسی و آموزشی که به صورت مستتر در قالب متن‌ها، تصاویر، فیلم‌ها و ... با دنبال کردن اهداف خاص خود، در زندگی تحصیلی و خانوادگی فراگیران جامعه ما رسوخ کرده و روز به روز با ابزارهای جدید و تکنولوژی‌های پیشرفته فضای مجازی، رو به رشد و توسعه می‌باشد. چنین روزنه نفوذی زنگ خطری است، برای عدم ثبات و تزلزل استحکام ارزش‌ها و آرمان‌های والای اسلامی و عدم بست و گسترش این مبانی اسلامی در تمامی نقاط جهان. در عصر حاضر بیشتر از گذشته جوانان ما در معرض چنین برنامه‌های راهبردی از سوی کشورهای غربی، قرار دارند. غفلت و عدم توجه به نقشه‌های مکرر کشورهای فوق و عدم آگاهی بخشی این قشر آسیب‌پذیر، می‌تواند عواقب جبران‌ناپذیری به همراه داشته و مسیر حرکت جامعه اسلامی ما را تغییر دهد. لازمه هوشیاری و جلوگیری از هر گونه انحراف، بصیرت و عکس‌العمل به موقع از طرف دولت مردان، مسوولان، دست‌اندرکاران تربیتی، صاحب‌نظران برنامه‌های درسی، جامعه، خانواده، رسانه‌های جمعی و ... می‌باشد.

هویت ملی و اسلامی ما در دانش و پژوهش است (سایه‌سار ولایت، جلد ۶، ص ۲۵۲)، علم و پیشرفت علمی و فراگیری آن نیاز اول کشور ماست (همان، ص ۲۴۰). جامعه اسلامی باید ایمان، علم و روشنفکری را با هم داشته باشد. باید تحصیل علم را با آگاهی و روشن بینی و روشنفکری از یک طرف و ایمان از طرف دیگر هماهنگ کنید. ساختن نظام و جامعه را مرهون سه نکته دانسته، علم، روشنفکری و ایمان (سایه‌سار ولایت، جلد ۱، صفحه ۳۰۰).

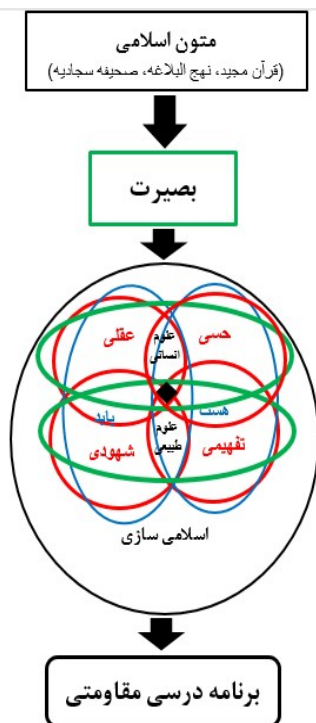
استکبار نشان داده تنها چیزی که برای وی مهم بوده و هست، ثروت‌های بلاد دیگر است، حتی فرهنگ و تلاش در تغییر فرهنگی هم در همین راستا بوده و هست. با شعارهای رنگین و توخالی، ایجاد توهّمات کاذب در میان جوانان بی‌بصیرت و بی‌شناخت و بی‌توجه، تا حد زیادی هم به خواسته‌ای خود رسیده و از حرکت باز نایستاده و ادامه دارد، و این اشاره به همیشگی این مبارزه دارد، دشمن سه محور را نشانه رفته است: عقب‌نگه داشتن کشور از لحاظ اقتصادی، عقب‌نگه داشتن علمی، برهم زدن اتحاد و انسجام ملی (اسحاقی، ۱۳۸۶). اینکه چه راهبردی می‌بایست اتخاذ شود تا سه محور اساسی اقتصاد، پیشرفت علمی و انسجام ملی، در برابر حمله‌های مستمر و مستتر دشمنان در مصون بماند و راه توسعه و

دنبال این امر رفته و در حال خلق ساختارهای افقی و تربیت انسان‌های فرهیخته، متفکر، بصیر و پژوهشگر هستند (حیدری تفرشی و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۱۴۱). در هزاره سوم دهکده‌های علمی به خانه‌های علمی تبدیل شده و هر فرد می‌تواند مینیاتور جهان باشد. در عصر جهانی شدن، تعلیم و تربیت باید به سوی جهانی شدن حرکت کند، البته بدون اینکه یدک کش و تلقین‌پذیر باشد. وقتی ما مبادله علمی داشته باشیم باید ظرفیت مواجهه و رویارویی با امور را هم داشته باشیم وگرنه مصرف‌کننده می‌شویم. جهان فرایپچیده و مدیریت‌آموزش و پرورش جهان، رشد یافته است؛ ولی نظام‌های تعلیم و تربیتی با آن فاصله دارند. مقلی و مصرف‌کننده و یدک‌کش هستند. با این وضعیت آموزش و پرورش و نظام‌های تعلیم و تربیت، لایحه‌نوسازی می‌خواهند. باید بذری برخی تغییرات را پاشید که اثرات آن تدریجی و عمیق خواهد بود. آموزش و پرورش نیاز به نظریه‌پردازی و نقشه و بصیرت دارد وگرنه دائماً مصرف‌کننده بوده و محصول آن شخصیت‌های گلخانه‌ای و مونتاژ شده است. آموزش و پرورش باید لباس جدیدی بر تن و انسان‌های پاسخگو تربیت کند (قورچیان، ۱۳۸۱). برای تربیت افراد پاسخگو و موفق زندگی در عصر جهانی شدن وظیفه و رسالت آموزش و پرورش این است که با خلق بینش و بصیرت در زمینه آموزش و پرورش به نظریه‌پردازی در راستای نظام معیار اسلامی روی آورد و یک الگوی عملی مناسب و یک طرح و نقشه عملی موثر را برای تربیت نسل جدید ارائه دهد و انسان‌هایی پرورش بدهد که خود باشند و از زندگی خویش لذت ببرند.

بحث و نتیجه‌گیری

در گذشته حمله‌های نظامی و استفاده از ابزار جنگی و رویارویی مستقیم صورت می‌گرفت. اما امروزه ابزار تسلط و استعمار، متفاوت از قبل شده، و از طریق نفوذ در ذهن و فکر افراد صورت گرفته و باورها، عقاید و ارزش‌های یک جامعه را نشانه می‌روند. جامعه اسلامی ما نیز همواره از این قضیه مستثنا نبوده و به دلیل ایفای نقش محوری خود در بین دیگر جوامع مسلمان، همیشه این سرزمین را در خط مقدم این جبهه و مقاومت قرار داده است. معمولاً بهترین راه نفوذ در ذهن افراد هر جامعه‌ای از طریق محتوا و برنامه‌های درسی و آموزشی می‌باشد که به صورت

توحیدی، با نگاه توحیدی به جهان طبیعت، یک بصیرتی پیدا می‌کند. ... این، پایه‌ی اساسی معرفت است؛ و باید ما در خودمان تأمین کنیم. بصیرت در حقیقت زمینه‌ی همه‌ی تلاش‌ها و مبارزات انسانی در جامعه است. بجز این سطح وسیع بصیرت و لایه‌ی عمیق بصیرت، در حوادث گوناگون هم ممکن است، بصیرت و بی‌بصیرتی عارض انسان شود. انسان باید بصیرت پیدا کند. این نوع از بصیرت در روایات و در کلمات امیرالمؤمنین هم روی آن تکیه و تأکید شده، به معنای این است که انسان در حوادثی که پیرامون او می‌گذرد و در حوادثی که پیش روی اوست و به او ارتباط پیدا می‌کند، تدبیر کند؛ سعی کند از حوادث به شکل عامیانه و سطحی عبور نکند؛ به تعبیر امیرالمؤمنین، اعتبار کند: «رحم الله امرء تفکر فاعتبر»؛ فکر کند و بر اساس این فکر، اعتبار کند. یعنی با تدبیر مسائل را بسنجد و با این سنجش، بصیرت پیدا کند. حوادث را درست نگاه کردن، درست سنجیدن، در آنها تدبیر کردن، در انسان بصیرت ایجاد می‌کند؛ یعنی بینائی ایجاد می‌کند و انسان چشمش به حقیقت باز می‌شود. مقام معظم رهبری فرمودند، ملاک بصیرت، معیار بصیرت است و دیگر هیچ. و نکته‌ای را به کرات در بحث بصیرت مورد توجه قرار دادند، بحث علم اندوزی همراه با ایمان و تقوی میسر است.



نمودار ۲. الگوی برنامه درسی مقاومتی در مراکز آموزش عالی با بهره‌گیری از بصیرت، اسلامی سازی.

تعالی خود را ادامه دهد؟ موضوعی است که می‌بایست مورد توجه جدی قرار گیرد.

به طور کلی در تدوین و اجرای برنامه درسی مقاومتی توجه به سه بعد اصلی و بنیادی (اسلامی سازی، شفاف سازی و اتخاذ رویکرد بصیرتی) حائز اهمیت می‌باشد. اسلامی سازی یعنی حداقل امکان مبانی نظری - تئوری و محتواهای درسی مراکز آموزش عالی بر مبنای نظام معیار اسلامی باشد، معیارهایی که برگرفته شده از متون اسلامی، و تدبیر در آیات و روایات ائمه و ارزش‌های مورد قبول یک جامعه اسلامی است.

پنهان ماندن منویات جوامع غربی و اعمال اهداف خود در قالب برنامه‌های درسی جهانی و بین‌المللی بیش از پیش راه نفوذ را هموارتر می‌سازد. بهره‌مندی از راهبرد بصیرتی سدی است محکم در برابر عدم آگاهی و شفافیت. رویکرد بصیرتی راهبردی است بر مبنای بینش، تامل و تدبیر که همه‌آحاد جامعه اسلامی ما باید به آن روی آورند، و از آن بهره‌مند شوند. به طوری که غفلت هر یک از اقشار جامعه، زمینه‌ساز ایجاد روزنه نفوذ برای دیگر جوامع خواهد شد. از مسولان، دولت مردان و متولیان تعلیم و تربیت گرفته تا صاحب نظران برنامه درسی، اولیاء دانش آموزان و رسانه‌های جمعی و ...، باید در صد تقویت روحیه بصیرتی در خود باشند، تا هم در تولید دانش، هم در بازنگری دانش و هم در بهره‌مندی از دانش موفق عمل نمایند. با توجه به تحولات سیاسی و اجتماعی امروز جهان اسلام و از جمله ایران اسلامی، یکی از مهم ترین مسائل نهادهای آموزشی، مسأله بصیرت است. مقام معظم رهبری در تعریف بصیرت می‌فرمایند: «در خودتان بصیرت ایجاد کنید. قدرت تحلیل در خودتان ایجاد کنید؛ قدرتی که بتوانید از واقعیت‌های جامعه یک جمع بندی ذهنی برای خودتان به وجود آورید و چیزی را بشناسید. این قدرت تحلیل خیلی مهم است. هر ضربه‌ای که در طول تاریخ ما مسلمانان خوردیم، از ضعف قدرت تحلیل بود. نگذارید که دشمن از بی‌بصیرتی و ناآگاهی ما استفاده کند و واقعیتی را واژگونه در چشم مان جلوه دهد» (بیانات در جلسه پرسش و پاسخ با جوانان در دومین روز از دهه فجر - ۱۳/۱۱/۱۳۷۷). ایشان در توضیح دقیق بصیرت می‌فرماید: «بصیرت را در دو سطح می‌توانیم تعریف کنیم. یک سطح، سطح اصولی و لایه‌ی زیرین بصیرت است. انسان در انتخاب جهان‌بینی و فهم اساسی مفاهیم

تواند به تسهیل و تحقق اهداف جوامع متخاصم کمک کند.

- دین مبین اسلام مملو است از گزاره‌ها و راهبردهای تربیتی، اما لازمه بهره‌مندی از این منبع غنی، توجه به رویکرد بصیرت‌گرایی می‌باشد. رویکردی که زمینه‌ساز تدوین محتوای درسی از تدبیر و تأمل در متون اسلامی، همچون قرآن کریم، نهج البلاغه، صحیفه سجاده و ... می‌باشد.

- در مراکز آموزشی نقش اساتید و اعضای هیات علمی، بسیار برجسته و مهم می‌باشد. آن‌ها خود ضمن تولید علم از مجریان اصلی آموزشی و درسی محسوب می‌شوند. و ایفای نقش صفی، آن‌ها را در خط مقدم این جبهه قرار داده است. استاد یا معلم می‌تواند بهترین و مناسب‌ترین محتوای درسی نشأت گرفته از معیارهای اسلامی را به بدترین شکل ممکن در کلاس درس تفسیر و تفهیم نماید و افراد کلاس را به گمراهی بکشاند، یا بالعکس. امام خمینی^(۵) فرمودند که استاد الهی می‌تواند متن مادی را الهی تدریس کند و استاد مادی هم متن الهی را مادی تفسیر کند (ضرغامی، ۱۳۶)، لازمه اجرای این رفتار دوگانه وجود یا عدم وجود بصیرت در استاد می‌باشد.

- طراحی فضای آموزشی و محیط یادگیری نیز از عناصر کلیدی موضوع نفوذ محسوب می‌شود. در این زمینه لازم است اشاره شود به معماری و نقشه‌های ساختمان‌های آموزشی و کلاس‌های درسی. محیط آموزشی جامعه ما باید با معیارهای اسلامی و ارزش‌های الهی سنخیت داشته باشد. غفلت در این موضوع مهم می‌تواند به شکل نهان و مخفی تأثیرات روحی و روانی منفی بر یادگیرنده داشته باشد.

- رسانه‌ها به عنوان تکنولوژی برتر و فراگیر دنیای امروزی در کنار دو نهاد خانواده و دانشگاه، بر روح و رفتار نوجوان و جوانان تأثیر بسزایی می‌گذارند، توجه به آثار مثبت تربیتی رسانه، ما را در انتقال ارزش‌ها و مفاهیم دینی بیش از پیش موفق می‌سازد؛ چرا که رسانه‌ها در ایجاد انگیزه و تأیید یک عمل و یا شکل دهی یک عادت خوب یا بد، مؤثرند. اگر برنامه‌ها، هدف‌ها و پیام رسانه‌ها با عقاید و ارزش‌های معنوی جامعه و خانواده همسو و هماهنگ باشند، در نتیجه می‌توان به نسلی با ایمان و ولایت مدار، امیدوار بود.

برای تدوین و اجرای برنامه درسی مقاومتی لازم است از طرفی با بصیرت و تدبیر لازم در متون اسلامی که شامل قرآن مجید، نهج البلاغه، صحیفه سجاده و ...، همچنین روایات و احادیث از پیامبران و ائمه می‌شود، برنامه‌های درسی تدوین شود. در واقع برنامه‌ای که با در نظر گرفتن مواردی از جمله که میان علوم طبیعی و انسانی جدایی وجود ندارد، بین هست‌ها و باید‌ها و استنتاج باید‌ها از هست‌ها هماهنگی وجود دارد و همچنین در کسب معرفت، علاوه بر سه سطح عقلی، حسی و تفهیمی، شناخت شهودی نیز از اهمیت بالایی برخوردار است و هر چهار سطح لازمه کسب معرفت به حساب می‌آیند، تدوین شده است. چنین برنامه درسی علاوه بر مصارف داخلی باید حالت تأثیرگذاری در برنامه‌های درسی خارجی نیز داشته باشد و با نفوذ در برنامه‌ای درسی جوامع غربی در صدد همراه نمودن باورها و اعتقادات افراد آن جامعه با خود باشد. از سوی دیگر ما نمی‌توانیم خود را محصور کنیم و از پیشرفت‌های علمی دیگر جوامع بهره‌مند نشویم، در ضمن اینکه باید به این نکته هم توجه کنیم که شاید تولید هر گونه علمی در کشور دیگر، نمی‌تواند مسائل و مشکلات جامعه ما را حل نماید، بنابراین با توجه به اینکه جوامع غربی همیشه در صدد تحمیل عقاید و تحقق اهداف خود به انحاء مختلف بوده‌اند و با طرح‌ریزی‌هایی در غالب سند ۲۰۳۰ و عناوینی چون جهانی شدن و بین‌المللی‌سازی و حتی همراه کردن متولیان جهانی تربیت با خود، کوشیده‌اند به خواسته‌های خود جامعه عمل ببوشانند، برنامه درسی اسلامی باید ضمن سایه افکندن بر تفکرات و طرح‌ریزی‌های آنان با بصیرت لازم آنچه که از تولیدات علمی آنان برای جامعه ما مفید است، تفکیک نموده و مورد استفاده قرار دهد و با شفاف‌سازی و جلوگیری از هرگونه پنهان‌کاری و استتار اهداف و مقاصد، در برنامه‌های درسی لحاظ نمایند.

پیشنهادهای پژوهشی

- کمبود بصیرت در برخی مسئولان و دولت‌مردان و متصدیان آموزشی به ویژه آموزش عالی، در استحکام بخشیدن به سد راه نفوذ دیگر کشورها که به انحای مختلف از جمله جهانی شدن، بین‌المللی شدن یا دیکته کردن آیین‌نامه‌ها و راهبردهای آموزشی و درسی که بیشتر تأمین‌کننده منافع مد نظر آن‌ها، می‌باشند، می‌

منابع

- اسحاقی، سید حسین، (۱۳۸۶)، نسیم همبستگی از اتحاد ملی تا انسجام اسلامی، قم مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما.
- امیدیان، مرتضی؛ شکرکن، حسین، (۱۳۸۲)، بررسی حاکمیت هویت درد ابعاد اعتقادی و روابط بین فردی و حوزه های فرعی این ابعاد در دانشجویان پسر دانشگاه شهید چمران اهواز در سال تحصیلی ۱۳۸۰-۸۱- مجله علوم تربیتی و روان شناسی دانشگاه فردوسی مشهد - جلد چهارم - شماره اول - بهار و تابستان ۱۳۸۲
- پورحسینی، مریم (۱۴۰۱)، چرایی و چگونگی الگوسازی در برنامه درسی اسلامی با رویکرد نهج البلاغه. مجله پژوهش های نوین در گستره تاریخ، فرهنگ و تمدن شیعه، سال اول - شماره ۱ (ص ۸۷ تا ۱۰۶).
- حدادنیا، سیروس؛ جوکار ناصر، (۱۳۹۵)، بررسی رابطه هوش معنوی و هوش هیجانی با رفتار شهروندی سازمانی دبیران مدارس متوسطه شهر شیراز، فصلنامه رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، سال ۷، شماره ۲.
- حسنی، سید حمیدرضا و دیگران، (۱۳۹۹)، دیدگاه ها و ملاحظات علم دینی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، صص ۷۵-۸۸.
- حیدری تفرشی، غلام حسین؛ یوسفی سعدآبادی، رضا؛ خدیوی، اسدالله، (۱۳۹۸)، نگرش نوین بر نظریات سازمان و مدیریت، انتشارات فراشناختی اندیشه، تهران.
- خندقی مقصود، امین و مهدوی خواه، علی (۱۴۰۲)، بسوی انبساط مفهومی از برنامه درسی اسلامی نشریه، مطالعات برنامه درسی، دوره ۱۲، شماره ۴۶، ص ۳۴-۱.
- سرمدی، محمد رضا، حیدر زاده، نسرین، (۱۴۰۲)، فرصت ها و چالش های نظام تعلیم و تربیت ایران در برابر جهانی شدن، اولین همایش علمی پژوهشی علوم تربیتی و روانشناسی آسیب های اجتماعی و فرهنگی. ایران، ص ۷.
- صالح پور، محمدرضا و قاسمیان، سعید، (۱۳۸۹)، مجموعه مقالات آینده پژوهش، انتشارات دفتر روابط بین الملل وزارت آموزش و پرورش، تهران.
- صحبت لو، علی (۱۴۰۰)، نقد برنامه درسی تربیت معلم جمهوری اسلامی ایران از منظر تربیت اسلامی، نشریه پژوهش در آموزش معارف و تربیت اسلامی، دوره ۲، شماره ۲، ص ۳۷-۱۲.
- صفایی موحد، سعید. باوفا، داوود، (۱۳۹۲)، به سوی فرانظریه ای دیگر برای شناخت برنامه درسی پنهان، پژوهش در برنامه ریزی درسی، سال دهم، دوره دوم، شماره ۱۰ (پیاپی ۳۷)، صفحات ۹۶-۷۶.
- صفایی موحد، سعید. عطاران، محمد، (۱۳۹۲)، واکاوی برنامه درسی پنهان در انتخاب استاد راهنما در دانشکده ریاضیک یک مطالعه کیفی، پژوهش در برنامه ریزی درسی، سال دهم، دوره دوم، شماره ۱۰ (پیاپی ۳۸)، صفحات ۱-۱۲.
- فتحی و اجاره گاه، کورش، واحده چوکده، سکینه، (۱۳۸۵)، شناسایی آسیب های تربیت شهروندی در برنامه درسی پنهان: نظام آموزش متوسطه نظری از دیدگاه معلمان زن شهر تهران و ارائه راهکارهای برای بهبود وضعیت آن. فصلنامه علمی و پژوهشی نوآوری های آموزشی؛ ویژه نامه ی نوآوری در تربیت شهروندی، شماره ۱۷، سال پنجم، صص ۱۳۲-۹۳.
- فتحی و اجاره گاه، کورش، (۱۳۷۷)، اصول برنامه ریزی درسی، ایران زمین، تهران: صص ۱۴-۱۷.
- فروند، ژولین، (۱۳۹۸)، نظریه های مربوط به علوم انسانی، ترجمه علی محمد کاردان، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ سوم.
- قاسمی، علی حسین، (۱۴۰۱)، جهانی شدن، بایدها و نبایدها. سمینار جهانی شدن و اطلاع رسانی. دانشگاه فردوسی مشهد. پاییز ۱۳۸۰.
- قریشی نسب، سید طه، (۱۳۹۱)، روند اسلامی سازی علوم انسانی از منظر علامه مصباح یزدی، اندیشه دینی و فرهنگی، پایگاه تحلیل خبری ۵۹۸.
- قورچیان، نادرقلی، (۱۳۹۹)، تحلیلی از برنامه درسی مستتر بحثی نو در ابعاد ناشناخته نظام آموزشی. فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی. صص ۶۹-۴۷.
- کرمی، زهره (۱۴۰۲)، سبک زندگی اسلامی در برنامه درسی، نشریه علوم تربیتی از دیدگاه اسلام، دوره ۹، شماره ۱۷، ص ۹۳-۱۳۳.
- لطف آبادی، حسین، (۱۳۹۸)، روان شناسی رشد کاربردی نوجوانی و جوانی - سازمان ملی جوانان
- مرزوقی، رحمت اله، حدادنیا، سیروس، (۱۳۹۳)، فطرت بنیاد تربیت رویکردی به تعلیم و تربیت اسلامی، انتشارات آوای نور، تهران.
- مصباح یزدی، محمدتقی، (۱۳۸۹)، تعریف علوم انسانی، سلسله مراتب علوم انسانی و نقش دین در علوم انسانی، مبانی فلسفی علوم انسانی: گفت وگوها، قم، مؤسسه ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی؛ چاپ اول، صص ۸۸-۱۰۶.
- ملکی، حسن (۱۴۰۱)، جستاری نظرورزانه پیرامون اسلامی سازی برنامه درسی، مجله علمی و پژوهشی پژوهش های برنامه درسی، دوره ۱۲، شماره ۲، ص ۵۷-۴۵.
- ملکی، حسن، (۱۳۸۷)، دیدگاه برنامه درسی فطری- معنوی مبتنی بر فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، کنگره علوم انسانی، تهران.
- ملکی، حسن، (۱۳۸۸)، برنامه ریزی درسی راهنمای عمل، تهران: نشر پیام اندیشه، چاپ ۱۳، ص ۶۸.
- مهرمحمدی، محمود، (۱۳۸۷)، برنامه درسی پنهان، برنامه درسی پوچ و برنامه درسی پوچ پنهان. در برنامه درسی: نظرگاه ها، رویکردها و چشم اندازها. تهران: سمت و به نشر.

- Brunner.j. (2000). Globalization and the future of education. Santiago.Chile.
- Cheng, Y. C. (2004). "Fostering local knowledge and human development in globalization of education", International Journal of Educational Management, 18 (1), pp. 7-24
- David. K. (2019). Chapman. Lars.o, Fram planning to Action.
- Earley, P. C. Ang, S. & Tan, J. (2006). Developing Cultural intelligence at work, Stanford, CA: Stanford University Press.
- Eisner, Elliot W. (1994), the Educational Imagination: On the Design and Evaluation of School Programs, Third Edition- Macmillan College Publishing Company.
- Eisner, Elliot. W. (2002). The Educational Imagination On the design and evaluation of school program. Stanford University. Pp 65-60.
- Eisner, Elliot W. (2005). 'Artistry in teaching', Cultural Commons, <http://www.Culturalcommons.org/eisner.htm>. Accessed: February 11, 2005.
- Eisner, Elliot W. (1979). the Educational Imagination: On the Design and Evaluation of School Programs. Edition New York: Macmillan publishing co, p: 39.
- Gacel, J. A. (2005). "The Internationalization of Higher Education: A Paradigm for Global Citizenry", Journal of Studies in International Education, 9 (121).
- Goldie, J., L. Schwartz, et al. (2020), "The impact of a modern medical curriculum on students' proposed behavior on meeting ethical dilemmas." Medical Education 38(9): 942-949.
- Hinchcliff, John. (2000). Cross-Roads of the New Millennium. Proceedings of the Technological Education and National Development (TEND) Conference 2nd, April 10- 8 , Abu Dhabi, United Arab Emirates.
- Lewellen, T. C. (2012). The Anthropology of Globalization: Cultural Anthropology Enters the 21, century. Westport, CT: Bergin & Garvey.
- Marzooghi, Rahmatallah. (2016). Curriculum Typology. International Journal English Linguistics. Vol. 6, No. ,2016.
- Taba, H. (1971). Curriculum development: theory and practice. New York, NY: Harcourt, Brace & World.
- Tyler, R. W. (1971). Basic principles of curriculum and instruction. Chicago, IL: University of Chicago Press.
- Wartofsky.marx W (1991). Conceptua Foundation of Scienitific Thought: Isted. New York.
- Silaturrahmi, p. Hasanah, u. Abdul Aziz, m (2023), Implementation Of The Islamization Curriculum In Islamic Religious Higher Education (PTKI) Development In Indonesia As An Effort To Integrate Science In The Perspective Of Maqasid Al-Shari'ah. AL-WIJDÁN: Journal of Islamic Education Studies. Volume 8, Nomor 3, Juli 2023, p- ISSN: 2541-2051; online -ISSN: 2541-3961 Available online at <http://ejournal.uniramalang.ac.id/index.php/alwijda>